

فحشاء در قانون جزای ایران

(۲)

ج- قانون جزای عمومی و مواد مذکور در فوق از چند جهت نارسا می باشد باید توجه داشت که قانون اصولاً تا آن حد بعنوان يك ابزار و وسیله اجتماعی مؤثر است که عوامل اجتماعی برای اجرای مفاد آن جمع و حاضر باشند. اگر شدت عمل بیش از حد قبول اجتماع باشد معمولاً نتیجه عدم اجرا خواهد بود. بنابراین تناسب معین قبول اجتماع می باید همیشه در وضع و اجرای قوانینی که مربوط به این قبیل مسائل اجتماعی هستند در نظر گرفته شوند.

با این مقدمه در مورد قانون مجازات عمومی موارد ذیل را مختصراً ذکر

می کنیم:

۱- در ایران بین حقوق دانان اختلاف نظرهایی وجود دارد مبنی بر اینکه قانون جزای عمومی عمل فحشاء یا روسپنگری یا رابطه نامشروع زن مجرد را با مرد بمنظور شهوترانی و با وجودت عادت و دریافت مزد منع نکرده است. این اختلاف نظر منجر به مشکلات حقوقی و در نتیجه عدم توافق در اجرای سیاست متحدالشکل درباره روسپنگری شده است. رفع این اختلاف نظر و اتخاذ سیاست واحد و روشن از لوازم پیشرفت مقاصد قانون است بنابر این می‌بایست موضوع را از این نظر مطالعه و حل نمود. همچنین بموضوع فوق‌العاده مهم مذهبی میبایستی توجه نمود. بعید است که واضعین قانون جزای ایران بموضوع فحشاء اساساً توجه نکرده باشند. زیرا معمولاً قدام در کار خود موشکافی و تبصری بهتر از متأخرین اعمال می‌کردند. دلیل سکوت ظاهری قانون‌جزا وجود جرائم شدید مذهبی علیه فحشاء است تلفیق مقررات مذهبی در قانون جزا آسان نبوده است بنابر این شاید بهمین دلیل موضوع را بسکوت برگزار کرده‌اند. و یا در مفاد ماده ۳۱۰ قانون جزا آنرا مختصر کرده‌اند. بهر حال در زندگی امروزی این موضوع قابل حل است و میبایست حقوق‌دانان در اطراف آن مطالعه عمیقی کنند و بالاخره با وضع مواد مؤثر و قابل اجرا و متناسب موضوع را حل کنند.

۲- قانون منحصرأ بعمل زن روسپی متوجه است و آنرا منع و مشمول جریمه و توبیخ کرده است در صورتی که مرد عامل حد اقل بازن روسپی در تعادل می‌باشد و از جهاتی از نظر اخلاق گناه بزرگتری را مرتکب میشود بنابر این قانون نسبت به مرد مرتکب نیز می‌باید مقررات جزایی متناسب وضع کند. گزارشهای سازمان ملل و مطالعات تمام مؤسسات بین‌المللی نسبت بموضوع تعقیب مرد مرتکب هم‌قول هستند و تجربه در کشورهای دیگر نشان داده که نتیجه بهتر حاصل میشود.

۳- قانون هیچ زمان فاصله یا شرایطی را بین ارتکاب و تعقیب و محاکمه پیش بینی نمی‌کند و بنابر این بطور کلی امکان حفظ حیثیت و نجات مرتکب را

معدوم کرده است .

۴- قانون نسبت بعلت ارتکاب و گرفتاری مرتکب و سابقه روحی و مالی و فامیلی او بی تفاوت و بیطرف مانده است و در نتیجه همواره بایک نظر می نگردد علیهذا از این رهگذر فسادى ظاهر می شود که می باید با وسائل ممکن اصلاح شود .

۵- قانون هیچ راهی را برای تجدید حیات و تجدید وجدان و نجات مرتکب پیش بینی نکرده است بلکه یکبار که مرتکبی گرفتار قانون شد برای همیشه مهر فحشاء باو می خورد و در نتیجه نجات او را که می باید با اعاده حیثیت توأم باشد غیر ممکن می سازد.

ماده ۲۱۳- الف - اشخاص ذیل به حبس تأدیبی از ششماه تا دو سال محکوم خواهند شد:

۱- هرکس عایدات حاصله از فحشاء زنی را وسیله تمام یا قسمتی از معیشت خود قرار دهد .

۲- هرکس فاحشه ای را در شغل فاحشگی حمایت کند .

ب - هرکس زنی را با علم باینکه آن زن در خارجه بشغل فاحشگی مشغول خواهد شد برای رفتن بخارجه تشویق کند و یا مسافرت او را بخارجه تسهیل نماید یا او را ولو با رضایت خودش بخارجه ببرد و یا برای رفتن بآنجا اجیر کند بحسب تأدیبی از یکسال تا سه سال محکوم میشود اگرچه اعمال مختلفه که مبانئ جرم محسوب میشود درممالک مختلفه صورت گرفته باشد. درموارد ذیل مرتکب به حد اکثر مجازات مزبور محکوم خواهد شد.

(۱) - در صورتی که زن کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد .

(۲) - در صورتی که مرتکب برای انجام مقصود خود به عتف یا تهدید متوسل شده باشد. هرگاه مرتکب از اشخاص مذکور در قسمت اخیر بند الف ماده ۲۰۷ باشد مجازات او حبس با کار اجباری از ۲ تا ۵ سال خواهد بود . در مورد بند ب این ماده شروع به ارتکاب نیز قابل مجازات است .

بند الف ماده ۲۰۷ - هرگاه مرتکب از اقربای نسبی تا درجه سوم و یا از اقربای سببی مجنی علیه (اعم از ذکور یا اناث) و یا قیم او باشد و یا مأمور دولت باشد که مجنی علیه از طرف مقامات رسمی باو سپرده شده و یا از محارم مجنی علیه باشد مجازات او حبس مؤبد با اعمال شاقه خواهد بود .

۶- قانون نسبت به مشوقین اولیه که اغلب والدین یا اولیاء مرتکب جزء آنها هستند بی تفاوت و بیطرف است و راهی برای پیش گیری و مبارزه نمی گشاید .

۷- قانون تکلیف زنان و مردانی را که در قید ازدواج هستند و به عمل منافی عفت آلودگی پیدا می کنند بطور ناقص تعیین کرده است.

۸- حدود و ثغور یا تعریف فحشاء و اقدام به آن در قانون جزا معلوم نیست و در نتیجه مجریان تا حدودی بلا تکلیف هستند .

۹- قانون مسأله مسافرت و متصدیان حمل و نقل روسپیان را که کم کم آتیه وسیعی پیدا می کنند بطور ناقص برگزار کرده است. (۱)

بعلاوه در مواد مربوط به فحشاء قانون جزای ایران و واقعیت امر تضادی موجود میباشد باین ترتیب که از یکطرف قانون جزای ایران برای کسانی که فساد اخلاق را تشویق یا تسهیل نمایند یا فاحشه خانه دایر کنند... مجازات تعیین نموده است . اما آنچه واقعیت است اینکه شهر نو وجود دارد ، روسپیان خیابانگرد هم وجود دارند و روز بروز نیز بر عوامل ایجاد کننده این پدیده افزوده میگردند منتهی این مسأله رسیدگی به بهداشت برای جلوگیری از سرایت بیماریهای آمیزشی و جلوگیری از فحشاء می- باشد که بطور ناقص برگزار می گردد. اگر این فرضیه را که وجود این پدیده (فحشاء) در هر جامعه لازم است قبول کنیم ، بنابراین باتوجه به امکانات موجود و روش کشور- های مرفعی در کنترل این قبیل اماکن و با توجه بوضعیت اسفناک روسپیان در شهرنو و همجواری بودن این مکان با خانه های مردم و خطری که از این جهت متوجه زنان و دختران این خانواده ها چه از نظر امنیتی و چه از نظر انحرافی که ممکن است ایجاد گردد ایجاب میکند دولت رأساً اقداماتی در این زمینه صورت دهد بدین ترتیب که :

اولا شهرنورا از مکان فعلی بخارج شهر منتقل نماید .

(۱) ستاره فرمانفرمایان - روسپیکری در شهر تهران، ص ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۴ و ۲۰۵ .

ثانیاً - اداره و کنترل این قبیل خانه‌ها را مستقیماً بمعهد بگیرد و با صدور و کنترل دقیق کارت بهداشتی از گسترش بیماریهای آمیزشی جلوگیری کند.

لیکن باید توجه داشت که با وجود مواد قانون جزا مبنی بر اینکه (هر کس فاحشه‌خانه تشکیل دهد حد اقل ششماه زندانی دارد...) دولت نمی‌تواند هیچگونه اقدامی در این زمینه انجام دهد زیرا در غیر اینصورت خود مرتکب جرم گردیده و مستحق مجازات می‌باشد. بهمین جهت چون مواد قانون جزای ایران در مورد جلو-گیری از گسترش فحشاء تجارتهی و جلوگیری از امراض مقاربتی هیچگونه تأثیری نداشته بلکه نشر این قوانین در حقیقت سبب ترویج اعمال منافی عفت و درعین حال مخالف قواعد عدل و داد می‌باشد . باید این مواد الغاء شود و دولت از نظارت و حسن اداره آن منصرف نشود .

«پایان»

